



## حجاب؛ گذر از کلیشه‌ها و بازگشت به خودانگاره عزت‌نفس

یک دین‌پژوه با تأکید بر اینکه حفظ حجاب بیش از آنکه امری فردی و مربوط به حوزه خصوصی و امر درونی زن باشد...

یک دین‌پژوه با تأکید بر اینکه حفظ حجاب بیش از آنکه امری فردی و مربوط به حوزه خصوصی و امر درونی زن باشد، الزامی برخاسته از ضرورت‌های اجتماعی است، گفت: اگر حجاب درونی نشود و موردپذیرش قلبی و اعتقادی زنان قرار نگیرد، این ضرورت اجتماعی به شکل مطلوب تحقق نخواهد یافت. درونی شدن حجاب نیازمند هویت فردی مستحکم و مستقلی است تا حجاب نه به عنوان عامل مغلوب‌کننده اراده فرد، بلکه به عنوان انتخابی منطقی و موضوعی فردی در جهت کسب هویت و خواست زنانه باشد.

حجاب و پوشش در همه ادیان و فرهنگ‌ها موضوعی قابل توجه است؛ چه زمانی که به مثابه امری «طبیعی - زیستی» و محافظت از بدن بدان نگریسته شود و چه زمانی که همچون مقوله‌ای «فرهنگی - ارزشی» نشان از باورهای ذهنی و شناختاری، سنت‌های بومی و اعتقادی و همچنین موضوعی نشانه‌شناختی و سمبولیک مورد توجه قرار گیرد. امروز در گستره تحولات جهانی و نزدیکی مرزهای فرهنگی در مناسبات اجتماعی بحث حجاب و پوشش به مثابه نماد فرهنگی، اجتماعی زنان مسلمان جایگاه ویژه‌ای در فرآیند مطالعات جامعه‌شناختی دوران پست مدرن دارد.

در مرور تاریخی بر موضوع حجاب درمی‌یابیم رضاشاه در آغاز اجرای برنامه‌های ضداسلامی خود، دستور داد درشکه‌چی‌های مشهد و رفتگران تهران کلاه تمام لبه‌فرنگی بر سر گذارند. اجرای این برنامه از ابتدای خرداد ۱۳۱۴، علاوه بر شایعات مربوط به کشف حجاب، در مشهد تلاطمی ایجاد کرد. سرانجام آیت‌الله قمی پس از مشورت با تعدادی از رجال و روحانیون، برای جلوگیری از کشف حجاب و استفاده از کلاه شاپو، در ۹ تیر ۱۳۱۴ به تهران سفر کرد. محاصره محل اقامت ایشان در شهر ری از سوی حکومت، یکی از عوامل اصلی خشم و خروش مردم مشهد شد و به کشتار بی‌رحمانه در مسجد گوهرشاد در ۲۱ تیرماه انجامید و بعدها این روز به عنوان روز حجاب و عفاف نام‌گذاری شد.

زهرا آبیاری؛ دکتری دین‌پژوهی، پژوهشگر و استاد دانشگاه به مناسبت روز عفاف و حجاب در گفت‌وگو با ایکنآ به بررسی اهمیت فردی و اجتماعی این ارزش دینی و بایسته‌های تحقق آن پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

ایکنآ - کارکردهای اخلاقی و هویتی حجاب برای فرد چیست؟

مسئله حجاب و پوشش در ایرانی اسلامی از سال ۱۳۱۴ با دستور کشف حجاب رضاخانی، عملاً به صدر مسائل جامعه دینی تبدیل شد و تاکنون همچنان در محافل علمی و نخبگانی سخن از حجاب و پوشش، حدود و صغور، رویکردها، چالش‌ها و راهکارها برای بازگرداندن بخشی از هویت زن مسلمان است. هرچند در سال گذشته با حادثه «گشت ارشاد و مهسا امینی» بار دیگر توجه جامعه به مسئله حجاب و پوشش جلب شد. اما این بار متفاوت‌تر از گذشته، توجه به حجاب از یک سو به بحث «پوشش» و از سویی دیگر از قشر نخبگانی به بستر جامعه نیز کشیده شد. در فرایند «پسامهسا» تمام تلاش‌ها به سمت ارائه راهکار در عرصه فردی و اجتماعی است. چرخش و دگرگونی ارزش‌ها، جوانی جمعیت جامعه ایران، گسترش رویکردها یا سبک‌های نوین زندگی، هجمه تبلیغات ضد فرهنگی در کنار بی‌کیفیتی برنامه‌های ترویجی حجاب و عفاف از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط، جامعه ما را در شرایطی از «پسا مهسا» قرار داده است که توجه به «هویت فردی و اجتماعی» با همه ابعاد آن (ملی، قومی، مذهبی)، می‌تواند «گذر از کلیشه‌های سنتی در امر تبلیغ و ترویج حجاب» و «بازبابی جایگاه وجودی زن مسلمان» در پرتو نگاهی تازه به این مسئله باشد.

از نگاه جامعه‌شناسی هویت بازگشت به خویشتن است، نگاهی است به خود و بارور کردن ارزش‌های خویش، نگرشی به درون و برون. یکی از مسائل عمده که نوجوان به طور عام و دختران به نوع خاص با آن روبه‌رو می‌شوند، مسئله شکل‌گیری هویت فردی اوست و این بدان معناست که او باید به سؤال‌هایی نظیر «من کیستم» و «به کجا می‌روم» پاسخی بدهد؛ به بیانی دیگر جستجوی هویت شخص متضمن این است که شخص تشخیص دهد که برای او چه چیزهایی مهم و چه کارهایی ارزشمند است و نیز متضمن تنظیم معیارهایی است که وی براساس آن‌ها بتواند رفتار خود و دیگران را هدایت و ارزیابی کند.

ایکنآ - چه ارتباطی بین موضوع هویت و حجاب وجود دارد؟

«تقویت انگاره عزت نفس در دختران جوان» با نظر به بستر خانواده، ارزش وجودی دختر بودن بازآفرینی شده، او را از سردرگمی تناقضات شدید در دست یابی به الگوهای فکری و عملی نجات می دهد؛ چراکه دختران جوان به علت به هم ریختگی الگوهای عملی ارائه شده و بی ثباتی ساختارهای فرهنگی، احساس می کنند نمی توانند از طریق تجارب نسل قبل، هویت واقعی خود را بازیابند

امروزه نیاز نوجوانان و جوانان به هویت بیش از هر زمان دیگر است، زیرا مسئله جهانی شدن از یک طرف و موضوع فرهنگ های تاریخی و خرده فرهنگ ها و محروم بودن کشورهای جهان سوم از طرف دیگر باعث شده که نوجوانان و جوانان عصر حاضر در تکاپوی حفظ هویت خویش به خصوص هویت اجتماعی در یک درگیری مداوم و هجوم امواج متفاوت با هویت شخصی خود در اضطراب به سر برند. از سوئی کسب هویت و ثبات هویت، نشانه رشد و گذر از بحران جوانی است. حجاب و پوشش ارتباط وثیقی با هویت فردی جوان در نگاه اول و با هویت اجتماعی در درجه دوم دارد. مطالعات میدانی نشان داده است هویت اجتماعی دختران و زنان به عنوان پایه های تغییردهنده فرهنگ و تربیت نسل های بعد از موضوعات مهم عصر حاضر است. اولاً به این جهت که رشد و پویایی آن ها مسیر زندگی شان را تغییر داده، بر سلامت جسم و روحشان مؤثر است و از رنج های آن ها می کاهد. ثانیاً به طور بسیار گسترده و عمیقی توانمندی آن ها بر روی خانواده خصوصاً تعلیم و تربیت کودکان اثر می گذارد به اضافه آن که تغییر ساختارهای کهنه، قوانین اجتماعی و تحولات فرهنگی (مربوط به زنان) از این آگاهی متأثر است و این ها پایه های توسعه انسانی و افزایش سرمایه اجتماعی جامعه بشری را تأمین می کند. کشور ایران به این مهم نیازی اساسی دارد چراکه سرعت تغییرات با آهنگی بسیار شتابنده نیروی مستعد و فعال را طلب می کند. از این رو یکی از راه های بازگرداندن نسل جوان به «خودانگاره» اوست که سازنده عزت نفس است. این امر متأثر از محیط بیرونی ساخته و پرداخته می شود. اولین بستر آن محیط خانواده است که نیازمند توجه جدی و بازنگری اساسی در روش ها و کلیشه های تربیتی است.

کارل راجرز روانشناس آمریکایی، می گوید که هرچه افراد خود را بیشتر بپذیرند، احتمال بیشتری خواهد داشت که دیگران را نیز بپذیرند. عزت نفس یکی از نیازهای اصلی انسان است که برای سازگارشدن انسان ضرورت دارد و در رسانیدن او به موفقیت نقش ایفا می کند. هرچه این نیاز کمتر مرتفع شود، امکان فاصله گرفتن از موفقیت و رشد و تعالی کاهش پیدا می کند. نظر به این مهم، «تقویت انگاره عزت نفس در دختران جوان» با نظر به بستر خانواده، ارزش وجودی دختر بودن بازآفرینی شده، او را از سردرگمی تناقضات شدید در دست یابی به الگوهای فکری و عملی نجات می دهد؛ چراکه دختران جوان به علت به هم ریختگی الگوهای عملی ارائه شده و بی ثباتی ساختارهای فرهنگی، احساس می کنند نمی توانند از طریق تجارب نسل قبل، هویت واقعی خود را بازیابند.

در این شرایط، در کنار خانواده، نیازمند بازنگری جدی در آموزش و پرورش هستیم. گذری بر حوادث اخیر نشان داد که در التهابات حجاب و پوشش موضع گیری معلمان و متولیان تعلیم و تربیت رسمی نقش مهمی داشته است؛ از این رو «بازنگری در فرایند جذب و به کارگیری متریبان نهاد رسمی» با انتقال ارزش های دینی و توجه دختران جوان به هویت فردی و اجتماعی ارتباط وثیقی دارد. علاوه بر این لازم است «متون درسی» در نهادهای تربیت رسمی با نظر به پیوند حجاب و هویت بازنگری شود؛ زیرا حجاب و هویت یک مقوله جدانشدنی در دوران بلوغ و پس از آن است.

حجاب و پوشش یعنی حفظ حرمت و ارزش های وجودی خود و هویت یعنی شناخت خود به عنوان یک موجود برتر که دارای اندیشه و تفکر است و ماهیت او این گونه است. هویت و شخصیت زن درگرو منش و روش زندگی اوست. حجاب و پوشش، منش والای زن مسلمان و شیوه عظیم زندگی اوست. اصل رعایت حجاب برای زنان است که بی شک، نقش جنسیتی ایشان را در جامعه در نظر گرفته است. حجاب و مسئله پوشش در جنبه های وسیع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تکالیفی را برمی انگیزد که از تأکید ویژه بر نوعی از حضور و حرکت زن در جامعه و تعیین روابط با نیمه دیگر جامعه حکایت دارد؛ بنابراین، حفظ حجاب بیش از آن که صرفاً امری فردی و مربوط به حوزه خصوصی و امر درونی زن باشد، الزامی برخاسته از ضرورت های اجتماعی است. نکته ظریف و حساس اینجاست که اگر حجاب درونی نشود و موردپذیرش قلبی و اعتقادی زنان قرار نگیرد، این ضرورت اجتماعی به شکل مطلوب تحقق نخواهد یافت. در این حال، درونی شدن حجاب نیازمند هویت فردی مستحکم و مستقلی است تا حجاب نه به عنوان عامل مغلوب کننده اراده فرد، بلکه به عنوان انتخابی منطقی و موضوعی فردی در جهت کسب هویت و خواست زنانه باشد. نهادینه سازی این مهم، از طریق نهاد تعلیم و تربیت رسمی می توان در اثربخشی آن سهم به سزایی داشته باشد.

«بازنگری در فرایند جذب و به کارگیری متریبان نهاد رسمی» با انتقال ارزش های دینی و توجه دختران جوان به هویت فردی و اجتماعی ارتباط وثیقی دارد. همچنین «متون درسی» در نهادهای تربیت رسمی با نظر به پیوند حجاب و هویت بازنگری شود

«الگوسازی» و پرهیز از «دست نیافتنی» ساختن اسوه های تاریخی چون زنان اثرگذار تاریخ و فرهنگ اسلامی از دیگر مواردی است که در توجه دادن دختران و زنان به هویت واقعی خود نقش بارزی دارد. ضعف نهادهای فرهنگی در معرفی و ارائه الگوها،

دختران جوان را به تأسی از «بازیگران»، «هنرمندان»، «ورزشکاران» و به تعبیری رسانه ای تر، «سلبریتی» ها کشانده است؛ این امر به علت فقدان الگوها نیست؛ بلکه در نبود «ایده» علمی برای بومی سازی این الگوهاست. این امر باید از طریق فراخوان ها برای جذب ایده های کاربردی، آن هم از طریق همین نسل جوان، در دستور کار نهادهای متولی سیاست گذاری حجاب و عفاف قرار گیرد.

ایکنا - رویکردهای موجود به عفاف و حجاب در کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟

رویکرد تبیینی (کلامی - اجتماعی) در سال های پیش از انقلاب با موضع گیری افرادی همچون استاد مطهری و علامه طباطبایی در مورد مباحث زنان آغاز شد و پس از انقلاب حیات تازه یافت. دفاع از هویت انسانی زن و برابری وی با مرد بر پایه قرآن و برهان ها گاه عرفان اسلامی، پذیرش و اعتقاد به وجود تفاوت جسمی، روانی و تدبیری میان دو جنس، دفاع از حضور و مشارکت اجتماعی زنان و تأکید بر آن و در نهایت تبیین کلامی و اجتماعی تفاوت های میان زنان و مردان از مهمترین مشخه های این رویکرد است.

بررسی و تحلیل رویکردهای مختلف حاکی از این است که رویکرد کلامی اجتماعی با اقتباس از عقل مبتنی بر وحی ضمن توجه به تحولات جهانی در مسائل زنان به صورت پویا به ارائه خوانشی متناسب با اسلام ناب از پوشش و حجاب برآمده است. خوانش نمادین ضمن معنادار کردن پوشش زن مسلمان بیانگر کنشی بودن این مقوله ارزشی در سطح جهانی است. در این خوانش حضور مبتنی بر عفت در عرصه های جهانی ضامن حفظ کرامت انسانی زنان شده که خود نیازمند رعایت حفظ عفت در پوشش و حجاب است. قرار گرفتن دال عفت در قاعده گفتمانی این رویکرد سیاست های معطوف به پوشش و حجاب در ایران معاصر را تا حدودی از چالش های برخاسته از قرائت های رقیب و نگاه های فمینیستی دور نگه می دارد، معطوف بر اینکه سویه های ایمانی و دینی حجاب مبتنی بر عفت مورد غفلت واقع نشود.

ایکنا - سیاستگذاری به منظور بهبود وضعیت آینده حجاب باید دربردارنده چه راهبردهایی باشد؟

در میان رویکردهای موجود به حجاب و عفاف، با توجه به نظریات جدید روانشناسی، خوانش مبتنی بر انتخاب را می توان در خوانش مبتنی بر عفت بازخوانی کرد. این بازخوانی باید در فرایند نهادینه سازی حجاب در دستور کار متولیان فرهنگی و تربیتی قرار گیرد.

توجه به صنعت پوشاک و اقتصاد وارداتی در سیر تحولات مدگرایی پوشش، به صورت مستقل نیازمند پژوهش و توجه در سطح کلان است که در میان موضوعات پژوهشی جای خالی آن محسوس است. البته تأثیر کشف حجاب در بازار و اقتصاد جامعه آن روز در پژوهش ها وجود داشت؛ ولی از زاویه سیاست گذاری و آینده پژوهی این مسئله نیازمند توجه است. افزایش قیمت چادر مشکی در بازار و دسترسى سخت زنان محجبه به ضروری ترین کالای پوششی کمتر به صورت علمی رصد شده است. تجارت این کالای ضروری و نبود حمایت داخلی از تولید ملی تأمل برانگیز است. از طرف دیگر، ورود مدل های مختلف پوشاک و تغییر ذائقه فرهنگی زنان و مردان ایرانی مشهود است که اینگونه موضوعات نیز نیازمند بررسی دقیق علمی است.

در میان رویکردهای موجود به حجاب و عفاف، با توجه به نظریات جدید روانشناسی، خوانش مبتنی بر انتخاب را می توان در خوانش مبتنی بر عفت بازخوانی کرد. این بازخوانی باید در فرایند نهادینه سازی حجاب در دستور کار متولیان فرهنگی و تربیتی قرار گیرد.

روزآمدی فقه در بحث پوشش و حجاب مبتنی بر مسائل جدید نیازمند کار میدانی است؛ بدین صورت که بعضی تغییرات پوششی، مانند احیای پوشش سنتی و استفاده از آن به علت برخورداری از رنگ های مختلف، از باب لباس شهرت نیازمند توجه به وضعیت حجاب در جامعه است و این مسئله باتوجه به ادعای فقه و روزآمدی آن نیازمند بازنگری است.

توجه به پوشش های بومی، در جایگاه یکی از راهبردهای مهم، نیازمند توجه جدی است. یافته ها نشان می دهد که طراحی مدل ساختاری عفاف و حجاب در جامعه ایران براساس فرایندی چندبعدی از راهبردی تا عملیاتی است که براساس این زنجیره می توان توازن و انسجام و تناسب فرهنگ عفاف و حجاب را شکل داد و بعضی برنامه های تغییر و کنترل را اجرا کرد و باتوجه به مبانی عفاف و حجاب به مطلوبیت ها، جهت گیری ها، مصلحت ها، ارزش ها و اقتضائات دست یافت.

مصادیق حجاب در جامعه امروز ایران مبهم و نیازمند بازخوانی یا بازنگری است. این ابهام موجب می شود هر یک از ارگان ها و نهادهای مسئول مصادیقی از پوشش را معرفی کنند و در مقابل آن دیگر مصادیق را طرد یا انکار کند. برای مثال حوزه های علمیه برای قنشر چادری خود تنها یک مدل چادر را به رسمیت می شناسند و انتخابی غیر از این در گزینش و نظام اداری با مشکل مواجه می شود. همین وضع در بعضی نهادهای وابسته گفتمان غالب هم مشاهده می شود. این در حالی است که در سطح

شهر و بدنه اصلی جامعه، دگرگونی در مصادیق حجاب را شاهدیم که همه این مصادیق حجاب و پوشش هم منافی عفت عمومی نیست و در سطح حجاب شرعی می توان آنها پذیرفت؛ اگرچه عرف تبصره هایی بر آنها افزوده است. با نظر به توانایی فقه در پاسخ دهی به مسائل مستحدثه، می توان این مسئله را مورد بازنگری قرار داد.

گفت وگو از فاطمه بختیاری